

راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت، موانع و محدودیتها

مصطفی صفری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره)

Safari6641@gmail.com

چکیده

1 بحث مشارکت سیاسی یکی از اساسی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی محسوب می شود. مشارکت سیاسی به معنای دخیل بودن آحاد جامعه در بسیاری از فعالیت ها و ایجاد و اجرای عملیات های سیاسی میباشد. در این پژوهش به بررسی راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی، موانع و محدودیت های آن پرداخته می شود. این تحقیق از نوع مطالعات مروری و کتابخانه ای میباشد.

در میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل بسیاری مانند: انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی های شخصی، محیط سیاسی، دین و مذهب، سطح اطلاعات مردم، وجود احزاب مختلف در میدان رقابت های سیاسی، وجود فرهنگ مشارکت، اعتماد عمومی به قدرت حاکم، عدالت اجتماعی و اقتصادی، فعالیت رسانه های جمعی و زمینه سازی آنها موثر میباشد. و عمده ترین عامل تامین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. زمانیکه فرهنگ همیاری در جامعه وجود نداشته باشد، تامین مشارکت مردم امکانپذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، انتخابات، موانع مشارکت

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

مقدمه

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و ستیز است. زمانی که نخستین بار انسان در یافت که می تواند با تجمیع توان خود با دیگری بر آن دیگری فائق آید مشارکت زاده شد. دموکراسی آتن تبلور خواست شهروندان در تعیین سرنوشت خود بود. نابرابری ذات آن بود، همچنان که همکاری و مشارکت در قدرت توسط هم پایگان، از سیاست آتنی متولد شد. از انباشت تجربه ی تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت در بستر جامعه ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادمند به خود می گیرد. در جامعه مدنی شکل های مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می سازند. تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت participation را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است (موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه ها و جنبش هایی که تا کنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده اند» تعریف می کند.

بحث مشارکت سیاسی یکی از اساسی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی به شمار می رود. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص های توسعه اجتماعی توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها به شمار می رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. مشارکت سیاسی برای حکومت ها دارای منافع عملی ویژه ای است که فقدان آن به سامانه سیاسی و اهداف بلندمدت نظام حاکم آن زیان وارد می کند. در واقع مشارکت، فرایندی است که در برگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر تصمیم گیری ها درباره امور عمومی است. (باصری، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

مشارکت سیاسی

در مورد مشارکت سیاسی تاکنون تعاریف زیادی ارائه شده است که هر کدام این پدیده را از منظر خاصی مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند. دائرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را این گونه تعریف می کند: «مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی است» (ابراهیمی، ۱۳۸۳). مشارکت به عنوان دست داشتن مردم در بسیاری از فعالیتها و ایجاد و اجرای سیاست شامل تعیین سطوح خدمات، تعیین اولویتهای بودجه ای، پذیرش پروژه های ساختاری، و حمایت و تشویق انسجام با جامعه تعریف میشود (کومار بابوا، ۲۰۰۸). در تعریفی دیگر از مشارکت سیاسی، ساموئل هانتینگتن و جان نلسون تعریفی از مشارکت سیاسی را ارائه می دهند که به شرح زیر است: «مشارکت سیاسی شامل کوششهای شهروندان غیردولتی برای تأثیرگذاری بر سیاستهای عمومی است» (آشوری، ۱۳۷۳). از دیدگاه بعضی نویسندگان کنار گذاشتن خشونت و نارضایتی و عمل کردن فرد براساس رفتارها و فراگردهای جمعی که نوعی برابری همگانی را می طلبد جدای از سیاست مربوط به دخالت شرکتها و یا کلیسا در امور سیاسی مشارکت سیاسی نامیده می شود (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۴۱). اپتر معتقد است که رابطه متقابل و انتظار از یکدیگر حوزه ی گسترده ای برای مشارکت سیاسی فراهم ساخته که عملکرد فرد در سازمانها و نهادهای جامعه را در گستره ی مشارکت سیاسی قرار می دهد (اپتر، ۱۳۸۰).

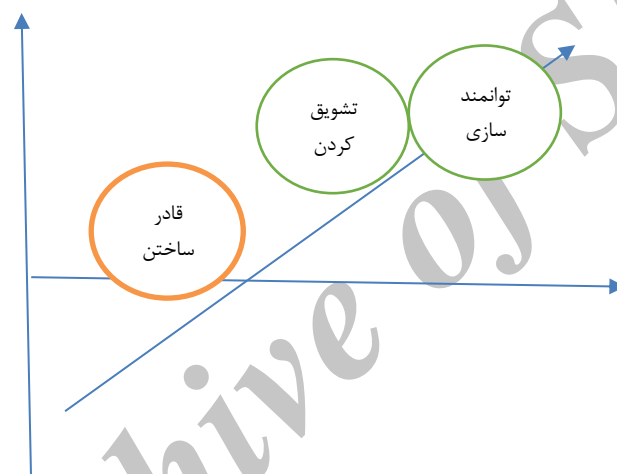
دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

می توان گفت که مشارکت سیاسی هر گونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاست گذاری های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظر رهبران بر مردم و یا به طور خلاصه حوزه ی تصمیم گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است (عالی، ۱۳۸۰).

سطوح مشارکت سیاسی

سطوح مشارکت سیاسی را در سه بعد قادر ساختن^۱ برای مشارکت، تشویق به مشارکت^۲ و توانمندسازی^۳ برای مشارکت تعریف کرد (ماسینتاش، ۲۰۰۴)



ساز و کارهای مشارکت سیاسی

احزاب، انتخابات، قوه مقننه، مجریه به همراه رسانه های جمعی از عمده ترین ساز و کارهای مشارکت سیاسی محسوب می شوند. احزاب حزب گروهی است که به عنوان رسمی شناخته شده است و در موقع انتخابات کاندیدای خود را برای احراز مناسب دولت انتخاب می کند و بر خلاف گروههای دیگر برای تحقق آرمانها یش به دنبال کسب قدرت است. وجود تشکیلات سازمانی به همراه زیر مجموعه هایی برای فعالیت در سطح ملی و تلاش برای کسب قدرت و جذب حمایت عمومی از طریق فرآیند انتخابات از عمده ترین ویژگیهای آن به شمار می رود. حزب از دو کار ویژه انتخاباتی و آموزشی برخوردار است که در کار ویژه انتخاباتی حزب به دنبال شکل دادن به افکار عمومی و گزینش نامزد است و در کار ویژه آموزشی به اطلاع رسانی و آموزش نظری و عملی تودهها و ادغام اجتماعی مبادرت می ورزد.

انتخابات

انتخابات از متداولترین شیوه های مشارکت در عصر حاضر است و به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم مقامات مسوول را انتخاب می نمایند. و در شکل انجام می شود. در شکل مستقیم آن، مردم مستقیماً غیر مستقیم آن انتخاب مردم مقدسه انتخاب مسوولان است. مکنزی در این زمینه و دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی، انتخابات را سازوکارهای جهت برخی تشریحات عمومی می دانند که روشی به رسمیت شناخته شده توسط قواعد یک سازمان، باشگاه و دولت به منظور گزینش مقامهای مقتدر می باشد (پای، لوسین و دیگران، ۱۳۸۰)

enabling¹
engaging²
empowerment³

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

قوه مقننه

قوه مجریه به عنوان یکی دیگر از سازوکارهای مشارکت سیاسی می باشد. در نظامهای سیاسی یکی از مهمترین ویژگیهای قوه مجریه جدایی کامل قوا است، در این شکل از حکومت که هر یک از قوا وظیفه خود را انجام می دهند، رئیس اجرایی کشور اسمی نبوده بلکه واقعی است و کابینه مرکب از دست یاران و مشاورانی است که به طور کاملی در برابر او مسئولند و رئیس قوه مجریه یا همان رئیس جمهور عضو قوه مقننه نبوده و حق شرکت در مذاکرات پارلمان را ندارد. همچنین در نظام ریاستی مبتنی بر تفکیک قوا طول دوره رئیس جمهور به قوه مقننه بستگی ندارد و برای بازخواست از او توسط قوه مقننه ضوابط اجرایی مشخصی بر طبق قانون اساسی وجود دارد.

رسانه های جمعی

رسانه های جمعی ابتدا منحصر به مطبوعات و رسانه های نوشتاری بود، سپس رسانه های شنیداری مانند رادیو و تلویزیون و اینترنت به آن افزوده شد. هوستن رانی می گوید: در همه کشورهای دارای تکنولوژی ارتباطات جمعی، رسانه ها در شکل دادن به جهت گیریهای اصلی و افکار عمومی مردم، نقش مستقیم دارند.

راهکارهای مشارکت سیاسی، موانع و محدودیتها

در میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند. بنابراین مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی که در آن مشارکت سیاسی صورت می گیرد فرق می کند. در مجموع برخی از پژوهشگران معتقدند که مشارکت سیاسی بسته به چهار عامل مهم تغییر می کند: انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی های شخصی و محیط سیاسی. البته به این عوامل باید مهارت ها، منابع و تعهد را افزود. برای مثال هر چه فرد بیشتر در معرض انگیزه های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می پردازد، قرار گیرد، به همان اندازه در سیاست فعالانه مشارکت خواهد کرد. در دسته بندی دیگری عوامل و راهکارهای مشارکت سیاسی افراد در ۸ مورد به شرح ذیل است:

1) تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه: دین یکی از مؤلفه های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش های اجتماعی و سیاسی در جامعه می باشد. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در جهان اسلام انکارناپذیر است. ابن خلدون، جامعه شناس بزرگ اسلامی درباره نقش دین در مشارکت می گوید: «دین در بین نیروها وحدت می آفریند، رقابتها را از بین می برد و به افراد روحیه ایثار می دهد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت های وسیع می انجامد. چنان چه باورهای مذهبی به دلیل تجمل پرستی و ... به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می گردد» از این رو یکی از اهداف استعمارگران برای سکولاریزه کردن جوامع مسلمان، بی تفاوت ساختن آنان در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه سازی برای تسلط آسان بر این جوامع است، چون دین اسلام جامع امور دنیوی، سیاسی و معنوی است، ولی سکولاریسم قائل به این است که دین با سیاست ارتباطی ندارد و در پی خرف کردن توده های جامعه و مسلمانان است (دین افیون توده هاست). و با این عقیده به دنبال این است که مسلمانان تنها به عبادت بپردازند و از مسائل و امور اجتماعی و سیاسی غافل بمانند. اما غافل از اینکه دینی مانند اسلام و مذهبی مانند تشیع از نخستین روزهای پیدایش خود، هیچ گاه مکتب عقیدتی صرف نبوده، بلکه شالوده فکری آن بر پایه رهبری فکری و سرپرستی سیاسی امیرمؤمنان علی - علیه السلام - استوار بوده است. بنابراین در مکتب تشیع رهبری فکری از رهبری سیاسی تفکیکناپذیر است و این دو همواره ملازم هم بوده اند. بنابراین با تبیین

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

صحیح جایگاه دین و مبانی دینی در جامعه و جلوگیری از افکار انحرافی می توان مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی را بالا برد، دین واقعی، طالب مشارکت عمومی است.

(۲) اطلاع رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم:

یکی از موانع مشارکت عمومی ناآگاهی است، که قشر زیادی از جامعه نسبت به توان خود ناآگاه هستند. از آنجایی که در رژیم گذشته اکثریت بزرگی از جامعه در خارج از صحنه قرار داشتند و در هیچ تصمیم گیری مشارکت نمی کردند، به طور عملی به انزوا کشانده و ایمان به توان خویش را از دست داده بودند. اما بعد از انقلاب با گسترش عرضه مطالب و اطلاعات برای آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی و دیدگاه اسلام درباره مشارکت از طریق رسانه های گروهی و همچنین تبلیغ احادیث اسلامی و سخنان امام خمینی — رحمه الله علیه — یا مقام معظم رهبری در زمینه مشارکت عمومی، افزایش مشارکت عمومی در سطح قابل ملاحظه ای مشهود است، زیرا آگاهی های عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه مشارکت مردمی دارد.

(۳) جلوگیری از تسلط گروه های ذی نفوذ:

با جلوگیری از تسلط گروه های انحصار طلب بر ارکان سیاسی و اقتصادی جامعه و حفظ عدالت اجتماعی می توان انگیزه تمایل عموم مردم را به مشارکت در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقویت نمود زیرا اگر تمام کارها در دست حزب خاصی و مطلب گرا قرار گیرد و دستگاه ها و نهاد های حکومتی فقط در راستای خواست آنها حرکت کند دیگر فضایی برای ابراز مشارکت مردمی نمی ماند.

(۴) وجود احزاب و حضور فعال آنها در چهار چوب قانون اساسی و شرع:

یکی از راهکار های توسعه مشارکت مردمی وجود احزاب اسلامی است که نیروهای مردمی را در گسترش مشارکت شان در مسائل سیاسی جهت دهی و نظام مند می نمایند زیرا حکومت در شکل امروزی آن به دلیل پیچیدگی های فراوان طبعاً مستلزم این است که تنوع علایق، منافع فکری، اجتماعی و اقتصادی در جامعه حفظ شود و مردم بتوانند به صورت فردی یا جمعی خواست های خود را بیان کنند و وسایلی برای بیان این خواست ها وجود داشته باشد.

نیازمند مشارکت مردم و ارائه نظارت مشورتی آنان البته به صورت جهت مند است که احزاب شایسته نقش مهمی در این زمینه دارند به عبارت دیگر مسائل اعتقادی، قانون اساسی و عقل و خرد انسان بیانگر مشارکت آحاد مردم، به ویژه نخبگان و گروه های سیاسی در امر سیاست و حکومت است و با توجه به رشد جمعیت، پیچیدگی امور و تخصصی شدن کارها باید به اصل نمایندگی رجوع کرد. همان گونه که در دنیای امروز ما حکومت مردم بر مردم نداریم. بلکه آنچه تحقق یافته، حکومت نخبگان منتخب اکثریت مردم بر مردم است. برای تحقق این امر ناگزیر باید نهادهایی به وجود آورد که ضمن کمک به انتخاب اصلح، چگونگی مشارکت مردم را نهادمند کند. احزاب، جمعیت ها، تشکلهای سازمان های سیاسی و سیله مناسبی برای مشارکت مردم در سرنوشت خود می باشند.



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

۵) فرهنگ سازی: فرهنگ از مهمترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. مشارکت افراد در جامعه ای که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی است، گسترده است؛ در مقابل، در جامعه فاقد چنین فرهنگی مردم با پدیده های سیاسی و اجتماعی بر خورد انفعالی دارند. لذا باید فرهنگ مشارکت مردمی به نحو مطلوب نهادینه سازی گردد.

۶) برانگیختن اعتماد عمومی: برای نهادینه شدن رفتار سیاسی، تحول باورها و تغییر ذهنیت مردم و برانگیختن حساسیت سیاسی مقدمه اصلی است. در این راستا، ایجاد یک نظام حقوقی مدون برای تعیین چارچوب فعالیت های سیاسی و تأمین امنیت در جهت آزادی بیان و ایجاد فضای گفت و گو، تفاهم و مشارکت می تواند تضمین کننده مشارکت آحاد مردم باشد. در نتیجه برانگیختن مشارکت مردم در قالب تشکلات سیاسی، پویایی نظام اجتماعی و ثبات حاکمیت را در پی دارد. در جامعه ای مثل جامعه ایران به خاطر جوان بودن جمعیت آن، امکان مشارکت بیشتر فراهم است. چرا که پتانسیل لازم در این قشر وجود دارد. به شرط آن که موانع مشارکت سیاسی و یا اجتماعی به خوبی شناسایی و برطرف شود. (مثل بی کاری و ...) امید به آینده بهتر می تواند زیربنای مشارکت بیشتر قرار بگیرد. کسانی که سعی می کنند فضای جامعه را تیره و تاریک نشان دهند، عملاً دیگران را از دخالت در سرنوشت اجتماعی بر حذر می دارند

6

۷) فقر زدایی: عدالت اجتماعی و اقتصادی و فقر زدایی، محورهای مهمی هستند که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد. قرآن کریم عدالت اجتماعی و اقتصادی را هدف اجتماعی بعثت پیامبران الهی می داند. امام خمینی نیز هدف کلی احکام شرعی را برابری و عدالت و حکومت دینی معرفی می کند. پژوهش های روان شناسی نشان می دهد که برخی ویژگی های روانی و جسمانی انسان، تنها موقع وفور نعمت ظهور می یابد. اگر شرایط اقتصادی به گونه ای باشد که انسان فقط بتواند وسیله اولیه معاش را فراهم کند، فرصتی برای پرورش طبع نخواهد داشت. هر چند این دیدگاه به طور مطلق صحیح نیست، اما نمی توان انکار کرد که آرامش و امنیت معاش و زندگی، فرصت بیشتری را برای پرورش استعداد های لطیف مشارکت سیاسی و اجتماعی فراهم می کند. شهید مطهری می گوید: اول انسان باید سیر باشد، بعد دنبال ایمانش برود.

۸) رسانه های جمعی و زمینه سازی آنها: رسانه ها نوعی حلقه ربط در جامعه هستند که در دنیای امروزی نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند. یکی از کارکردهای رسانه ها ایجاد همبستگی اجتماعی و تأثیر در مشارکت عمومی جامعه است. رسانه ها در جامعه با وجود تفاوت ها و اختلافات، تضادها را از بین می برند و به همبستگی یا یکسان سازی جامعه کمک می کنند. مکتب فرانکفورت می گوید: رسانه ها مثل تراکتور عمل می کنند و سطوح بالا و پایین زمینها را مسطح می کنند. رسانه ها سطوح مختلف و متفاوت جامعه را مسطح می کنند.

نتیجه گیری

تجربیات کشورهای مختلف نشان می دهد کشورهایی که در زمینه تأمین مشارکت مردم موفق بوده اند، عمدتاً موفقیت خود را مدیون ایجاد نوعی ارگان محلی (دولت محلی) با اقتدار بالنسبه زیاد می دانند. این ارگان های محلی، از نظر سازماندهی و سلسله مراتب تا بالاترین سطوح و به شکل زنجیره ای پیوسته ادامه داشته و وظایف و تکالیف هر یک از سطوح به دقت تعیین شده است. به عبارت دیگر کل از بالا تا پایین ارتباطی ارگانیک با یکدیگر داشته و از ساختی مرتبط برخوردار می باشند.



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

تدوین منطقی در جهت تأمین و جلب مشارکت مردم در محیط اجتماعی - اقتصادی بوروکراتیک و ضرورتی است آشکار. برای تأمین مردم مجموعه سیستم و نظام حاکم باید مشارکت پذیر باشد، در غیر این صورت آفات سیستم و نظام حاکم باید مشارکت پذیر باشد، در غیر این صورت آفات سیستم ضد مشارکت، به تدریج زمینه‌های تحقق امر مشارکت را نیز از میان بر خواهد داشت.

عمده‌ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین کشاند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می‌توان به جامعه‌ای مرفه‌تر و سعادتمند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان پذیر نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- باصری، احمد. (1388) بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی - اجتماعی خانواده‌های نیروهای مسلح. فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده.
- ابراهیمی، غلام (1383)، تاثیر قومیت بر مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- آشوری، داریوش (1373)، دانشنامه سیاسی، تهران، دانشگاه تهران
- آمری (1373)، شرح فارسی عزر الکلم در دالکلم.
- پای، لوسین و دیگران (1380). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- عالم، عبد الرحمن (1380)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- اپتر، دیوید. ای (1380)، اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه محمد رضا سعید آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Kumar Babooa , sanjiv (2008), PUBLIC PARTICIPATION IN THE MAKING AND IMPLEMENTATION OF POLICY IN MAURITIUS WITH REFERENCE TO PORT LOUIS' LOCAL GOVERNMENT , SOUTH AFRICA UNIVERSITY

Macintosh , Ann (2004) , Characterizing E-Participation in Policy-Making , Characterizing E-Participation in Policy-Making 10 Colinton Road, Edinburgh, EH01 5DT, Scotland, UK